



فلسفه و سیاست

دکتر رضا داوری و دکتر محمد موسی

کتابخانه

۵۲ مرداد سیزدهمین سال مرگ فریدید بود. در منزل شخصی اش مراسم یادبودی برگزار شد. دکتر رضا داوری، دکتر محمد موسی و دکتر حاجت اسدیان در این مراسم سخن گفتند. آنچه می آید گزارش است گزیده از این محفل.

دکتر رضا داوری: غربت فریدید ادامه دارد



یکی از اوصاف مرحوم دکتر فریدید غربت او بود. حدود ۵۰ و چند سال پیش که من خدمت ایشان رسیدم تا زمان مرگش غربت بود و هم اکنون این غربت ادامه دارد و ادامه خواهد داشت این هم یکی از نشانه های غربت فریدید است که کسی اهمیت نمی دهد. مراسم هست کسی که گفته می شود ۲۰ یا ۳۰ سال در جمهوری اسلامی نمایندگان و شاگردان اش زمام امور حکومت را در دست داشتند. من در مجلسی رجال حکومتی نمی بینم من هم فقط یک معلم هستم و هیچ کله اهل سیاست نیوهام و در مرز سیاست زیستگاه دوستان دیگر من هم که از شاگردان فریدیدم و در اینجا هستند اگر سهمی در حکومت دارند به دلیل مبارزات اسلامی شان بوده و ربطی به اینکه شاگرد مرحوم فریدید بودند. قطعا نداشته است. من مثل هر شاگرد دیگری به دکتر فریدید احترام می کنم و هر چه از ایشان بدیم پذیرفتم و تحمل کردم. هنوز استاد به ز مهر پیر به هر حال وقتی ۴۰ یا ۵۰ سال از کسی چیزی می آموزی، ممکن است کلمه مشکل هم در محاسبات و روابط پیش آید می گویند هایدگری هاید ایرانی نفوذ سیاسی دارند در جولی من گوستاو لوبون بی شک و اسیبیت فرانسوی که جامعه شناسی را به

قول خود فرسوی ها به زبان آسان می نوشتند. میان اهل فکر صاحب قلب و همچنین سیاستمداران طر فدا داشتند اما به یاد نمی آورم کسی گفته باشد گوستاو لوبون هاید حکومت هستند. ما باید تکلیف خودمان را با خودمان روشن کنیم. من در کلاس دکتر فریدید بودم و به حکم ۵ من علمی حرف افند صبر می عباده احترام می گذارم. دیگران تکلیف خودشان را معلوم کنند بگویند آن روز که در مجلسی دکتر فریدید شرکت می کردند و اسم مجلس را هر دوی به گذاشته بودند آن روز چه نمیشی با دکتر فریدید داشتند کسی که در آن مجلسی گوش بودند آن روز می فهمیدند که از این فلسفه فلتسیم و فلتسیم بیرون می آید اگر می فهمیدند چرا حاضر می شدند و اگر نمی فهمیدند خوب یک کلمه اعتراض کنند که ما اشتباه می کردیم و فلسفه نمی فهمیم و اعتراضات انقلاب را اینکه ما ملایکان سیاست است.

گروه هایدگری و گروه فریدیدی در ایران وجود ندارد. شما که ان سلیق فریدید نه گروهی در ذهنه تشکیل می دهی نه بر لحنه های و نه همدگر را می بیند. اینجا و آنجا متفرق اند. اینکه استادی عدلی شاگرد داشته که حزب سیاسی نیست یعنی ما تحمل نمی کنیم که در کلاس جز لبرون گروهی باشند که بگویند دکتر فریدید صاحب نظر بود یا به خدا بود. اینکه گروهی فریدیدی وجود دارد و هم است. البته کلمه ما هم تلفظ نمی کنیم چه می کنیم یکی از همکارانم به یک همکار دیگرم گفته می خواهم درباره غریزه کسی صحبت کنیم و چون نوشته های او فریدید ندارم، نوشته هایی از داوری می آورم و به استاد آنها حرف می زدم شما دارید استاد و دستند و سندر را هم می میرت می کنید آیا در فلسفه کسی و کمال کسی است؟ در ک فلسفه در کشور ما ضعیف است زیرا همه چیز را با هیئت سیاست می بینیم و می شنویم و

بدین دلیل، فکر سیاسی مشغول می شود. سیاست می بیند نیست فلسفه بنیاد سیاست است به آنها می که با چک و چانه دکتر فریدید قلم می زند. توصیه می کنم اگر در مسائل سیاسی اختلاف دارید آنها را در میخان سیاست حل بکنند و به حساب فلسفه نگذارند.

محمد موسی: مردی از آن سوی شهر



به نام خستای پرسروز و پس از مدتی از اصول فکری اساسی دکتر فریدید تقسیم تاریخ به پرسروز و پرسروز و فردا و پس فردا است. امروز که ایشان امروز دورهای است که حاکمیت بشر بمعنای نفسانیت بشر بر تاریخ حکم می کند. لبرالسم فلسفی که آزادی مطلق را برای انسان می خوانند روح دوران جدید است و ما امروز در این دوریم که فریدید از آن به «خودجینیادی» تعبیر می کردند. پرسروز که استاد از آن به دوره هینیا فکری یا پنیا فکری می نامد و ما می گویند دورهای بود که متغیر مسک آغاز می شد و در واقع دوره تفکر یونانی بود که بشر در آن به جای معنی یا مفهیم سر و کار داشت پرسروز از نظر ایشان دورهای بود که بشر با معنا سر و کار داشته دین کل مطلق در هر چیزی بود و با تفکر متغیر یکی که حرکت فریدید معلوم بود تفاوت مفهومی داشت فریادی تاریخ دورهای بود که امروز از آن به دوران پست مدرن یاد می شود. فریدید دورهای بود که مدرنیته متزلزل می شد و روزگاری می آمد که بشر آمادگی پنداری کرد تا با دیگر با معنا مواجه شود. بنابراین پس فردا دورهای است که بشر با دیگر حضوری معنوی در عالم هستی پیدا می کرد.

ایشان با هر تعبیری می کرد که قرآن کتاب جامع پرسروز و پس فردایی است چون هیچ ربطی به پرسروز و امروز و فردا ندارد. چتر نامی خواهم خلاف سخن استاد - دکتر داوری - بگویم اگر گذشت از مدرنیته به پست مدرن و از پست مدرن به ترانس مدرن - که در پس فردا تحقق پیدا می کند - خدای بود که دکتر فریدید می دانست آنچه حرکت صورت می گیرد در جهت گذشت از مدرنیته لبرال و به دعوتی بود که دکتر فریدید متذکر می بود. به تلم دکتر فریدید به انقلاب سیاسی حمله می شود و علت مخالفت این است که او به قدرت نزدیک است. آیا نزدیکی به قدرت این بود که به خاطر انتقاد از شخصی که امروز به غلط معنای از تفهیشی است و آن زمان فیلتر کنش دانشگاهها بود. خفتن نبود آن آقای که فرروز معنای آزادی خواهی است. آن روز سگالی اسباب قدرت بود اما فریدید مؤید انقلاب اسلامی بود به دلیل اینکه تمایز گذشت از فرروز را در شمایل انقلابی می دید ولی نه و کمال شده و نه وزیر این قابل نمایه است با موقتی که حضرات داشتند و خواندن کتاب هانسان برای همه دشمنان اموزان مملکت اجباری بود آنقدر از انقلاب نگذاشته و این قدر حافظه ما فرسوده شده است.

دکتر حاجت اسدیان: حکمت اسماعیلی الهی



دکتر فریدید استادی است که کوششی کرده و شاگردانی تربیت کرده و از دنیا رفته است. از این استادها در جهان میلیون ها داریم و فریدید دهن دکتر فریدید در کنار اینها مناسب نیست. تفکر یا متغیر یکی و فلسفی است یا غیر فلسفی و غیر متغیر یکی. جایگاه دکتر فریدید کجاست؟ ایشان چه پرسشی کرده و چه پاسخی داده است؟ اگر پاسخ ایشان پاسخی است که با اکنون داده نشده او متفکر است. حقیقت وجود در هایدگر چیست و حقیقت وجود در فریدید چیست؟ آیا فریدید سیرای حقیقت وجود پاسخی داشته یا نداشته است. اگر نداشته شاید هایدگری است. فریدید نه تنها هایدگر نیست نبود بلکه خود را متفکران

پست متغیر است و در ردیف هایدگر و مارکس است. ولی به این مسائل توجه نمی شود و قیل و قال است.

در ایران معروف است که تاریخ فلسفه تاریخ فطنت از وجود است و خود دکتر فریدید هم آن اولی این را می گفتند و ما هم به دکتر فریدید گفتیم استاد هایدگر گفته فطنت از وجود است. گفتند «Sein» یعنی وجود؟ هایدگر حقیقت وجود را عبارت از «Zelle» می دانند. زمان عبارت است از حقیقت وجود. دکتر فریدید فرمودند و من یادداشت کردم وجود - حادث به حدوث زمانی است و «آن» یک حادث به حدوث زمان دهری و سر انجام نفس وجود حادث به حدوث سرمدی است بنابراین حقیقت وجود عبارت است از زمان باقی. این تفکر هایدگر در مرده وجود است پرسشی که دکتر فریدید می کرده این بود که دلایل این زاین چیست؟ دلایل این وجود چیست؟ هایدگر می گوید گوش بشر امروز کر است و فضای وجود را نمی شنود. در دوران جدید ندهی نفس ظاهرش را می شنود. نزد هایدگر وجود حادث به حدوث سرمدی است و وجود هستی است و هستی با رفتن می کند به زمان.

در پیش اشوری کتاب همدنیته و ماه را نوشته و به دکتر فریدید ایراد گرفته است که زبان و فلسفه نمی دانی آقای اشوری مگر حدیث «کلمه عربی است؟» هیت را چرا از عربی به فرانسه چسباندی مگر به ترکی می توان گفت لکنیت؟ این اصلا گرامر نش غلط است. من از پیشو خوبی ظلم و حافظه بدی هم ندارم. مقاله همدنیته اش را قیل نوشته آقای در پیش اشوری است. وی در صفحه آخر طوری راجع به فسریل صحبت کرده که هر کس بخواند فکر می کند فسریل کنسوری موسیالستی است و معلوم نیست چرا جمال عبدالناصر را در ا اسرائیل می چنگد؟

من تلمولو گم بر اساس چی؟ بر اساس خرمایی که از دکتر فریدید گرفتم. نه بر اساس یک مشت ابله غربی به عنوان زبان شناس اشوری می نویسد هفریدید هیچ آشنایی با زبان شناسی علمی ندارد. من خودم کتاب این زبان شناسان علمی را سزد فریدید خواندم. تو اسلامی دانی زبان شناسی چیست؟ من می خلم جایگاه فریدید کجاست. اشوری می نویسد هفریدید نه در قامت فلسفه برای خود حدی می فکست و نه زبان شناسی تاریخ. او همچنین می نویسد هفریدید بسیاری از واژه های عربی و یونانی را همین شش و هیمعنا می فکست که به کل بی پایه است زیرا می فکیم که زبان یونانی از خانواده زبان های هند و اروپایی است و زبان عربی از خانواده زبان های سلسی و در نتیجه از نظر تاریخ تکوینی میان این واژگان نمی توان رابطه همیشگی یافت. هر مورد مسئله علمی که زبان های سلسی و زبان های هند و اروپایی با یکدیگر هم ریشه هستند. من کتابی آوردم که فرهنگ تطبیقی زبان های هند و اروپایی و سلسی در آلمان است. مربوط به سال ۱۹۱۱. در ۱۹۰۳ این تئوری طرح شد و پس از بحث های مختلف در ۱۹۱۱ این دیکنسری چاپ شد. آخرین کتاب نیز با عنوان زبان های سلسی و زبان عربی و هند و اروپایی است که چاپ ۲۰۰۵ است. از ۱۹۰۳ تا ۱۹۱۱ و ۲۰۰۵ می فکود چند کتاب چاپ شده است. ایشان اصلا خبر ندارد می گوید این زبان ها با یکدیگر هم ریشه نیستند. اشوری در قرن ۱۸ زندگی می کنای یک سؤال هم نکردی و این همه نظریه ها گفتی یعنی حتی ورق هم نزدی و حتی در اینترنت هم ندیدی که این ها هم ریشه شده یا نه؟

متأسفانه در ایران اصلا مقام علمی دکتر فریدید شناخته نشده است. مقام علمی دکتر فریدید بسیار بالاتر از آن است که به عنوان استاد دانشگاه مطرح شود. خیلی روی اینها نیست و خیلی فراتر از این ماجرا است و من امیدوارم در آینده با چاپ کتاب های دکتر فریدید شخصیت علمی ایشان حقیقا خودش را نشان دهد.